

آن هنگام که دایره نوازان زن بودند



سرگذشت معنوی ریتم
 مولف: لیلین ردموند
 مترجمان: کیوان پهلوان
 محمد ریاحی
 ویراستار: عللی ادیب راد



این اثر ترجمه‌ای است از

When The Drummers Were Women

(A Spiritual History of Rhythm)

by Layne Redmond

Three Rivers Press, 1997

New York, USA



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۱۱۰، کدپستی ۱۶۱۱۹، صندوق پستی ۴۷۷-۱۹۵۷۵

تلفن: ۵-۷۷۶۴۶۰۰۴-۷۷۵۰۲۴۰۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳

www.mahoor.ir info@mahoor.ir

آن هنگام که دایره‌نوازان زن بودند

مؤلف: لین ردموند

مترجمان: کیوان پهلوان، محمد ریاحی

ویراستار: علی ادیب‌راد

طرح جلد: سینا پرومندی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: حمید قربان‌جو

چاپ اول: ۱۳۸۶

تعداد: ۳۳۰۰ جلد

لیتوگرافی: کارا

چاپ و صحافی: صاحب‌کوثر

© حق چاپ محفوظ است.

شابک-۱۸-۸۷۷۲-۹۶۴-۹۷۸-۰ ISBN 978-964-8772-18-0

فهرست

۱۳	مقدمه	
۱۷	پاره‌ی اول	زن آسمانی
۱۹	فصل اول	در جست‌وجوی قدیسان
۲۹	فصل دوم	زن اول شخص
۴۱	پاره‌ی دوم	در آغاز
۴۳	فصل سوم	الهه‌ی آغازین ریتم
۶۳	فصل چهارم	مادر دانه‌ی به ثمر نشسته
۷۹	پاره‌ی سوم	در تاریخ
۸۱	فصل پنجم	الهه‌ی میوه‌ی فراموشی
۹۹	فصل ششم	ملکه‌ی آسمان
۱۱۷	فصل هفتم	زرین
۱۴۳	فصل هشتم	مادر خدایان
۱۶۳	فصل نهم	محافظ بزرگ
۱۸۱	پاره‌ی چهارم	برکنارشدگان
۱۸۳	فصل دهم	خدای توفان
۱۹۹	فصل یازدهم	پیروزی باکره
۲۱۳	پاره‌ی پنجم	بازگشت به ریتم
۲۱۵	فصل دوازدهم	فن‌آوری ریتم
۲۲۷	فصل سیزدهم	هستی‌بخشیدن به خود
۲۴۳	یادداشت‌ها	
۲۵۹	کتاب‌شناسی	
۲۶۵	دیسک‌شناسی	
۲۶۷	فهرست معادل‌های پیشنهادی	
۲۶۹	نمایه	



دسته‌ی اصلی فرشتگان، شهر نیویورک، ۱۹۹۰.

فصل اول

در جست و جوی قدیسان

زنان امروز در پی جست و جوی روحانی شگرفی هستند. قریب به هشتاد درصد شرکت کنندگان مراکز ایجاد تحول روحی، کلاس های آموزش پیوسته، گروه های درمانی و مراکز «عصر جدید»^۱ را زنان تشکیل می دهند. در بطن این انرژی جوشان زنانه شوقی برای دانستن آنکه کیستند و هدفشان از زیستن چیست وجود دارد. آنها مشتاق زیستنی هدف مند و پرمعنا در ضرب آهنگی هم خوان با جوش و خروش مقدس زمین و آسمان هستند. بسیاری از آنها این ادراک شهودی را یافته اند که زنان زمانی از میراث، اعتقادات و حس هویتی محروم شده اند که در گذشته منحصرأ به آنان تعلق داشت. آنها بر این گمانند که تاریخ حقیقی زنان به نوعی تحریف و مغشوش شده است. اکثریت زنان بر این باورند که در تاریخ حکمت کهنی پنهان شده است که فرزندگان اولیه و الهه های خیراندیش تاریخ بشری سفیران آن بوده اند، و آنکه این حکمت قادر است پرده از راز تنگناهای کنونی جامعه ی بشری بردارد، تنگناهایی چون اینکه چگونه می توان هر روز به تنهایی با یک حس روحانی وصل و تعلق زیست و مهم تر از همه، چه سان می توان در کنار یکدیگر در صلح و دوستی به سر برد و در حس یگانگی و هدف مندی سهیم بود.

حکایت بهشت گم شده به قدمت تاریخ بشری است. تقریباً در متون تمامی ادیان می توان آن را مشاهده کرد. قرن ها قبل از روایت انجیل در باب رانده شدن آدم و حوا از باغ عدن، متونی از سرزمین بین النهرین مناظر بوستان فردوس را به تصویر کشیده بودند. هندوهای باستان «عصر طلایی» را زمزمه می کردند. شاعر یونانی هزیود از «نژاد طلایی» داد سخن می داد و در مدح آن نغمه سرایی می کرد. این احساس عمیق و ریشه دار که در زمان های خیلی دور زمین مکانی بسیار بهتر و امن تر برای زیستن بوده است، صرف نظر از رشد و پیشرفت جوامع، همواره حکایت از آن دارد که ما آدمیان کنونی با طبیعت بیگانه ایم و سرچشمه های خود را گم کرده ایم.

زنان هم سو با بخشی از تاریخ خود، اغلب احساس می کنند که در حال از دست دادن بخشی از روان خود هستند. آنها از دستیابی به بعضی مناطق ذهن خویش عاجزند. مادامی که نتوانند آن بخش های از دست رفته از وجودشان را احیا کنند، نمی توانند انسان کاملی تلقی شوند.

میراث خدای بانو

تحقیقات علمی جدید در زمینه ی پیشاتاریخ حکایت از آن دارد که حقیقتاً رگه ی غنی و سرشاری از درایت زنانه در بطن تمدن غربی وجود دارد. در نتیجه ی پیشرفت های فنی در قلمرو باستان شناسی و



مجسمه‌ی یونانی عهد هلنی مربوط به ایزدبانوی تاجدار و بر تخت‌نشسته‌ی سیل، که دایره‌ی خود را در یک دست‌اش نگاه داشته و درحالی که شیری بر پای او نشسته است در دست دیگر کاسه‌ی شراب‌افشانی دارد.

حرفاری‌های گسترده، اطلاعات جدید ارزشمندی درباره‌ی گذشته به‌دست آمده است. این قرن شاهد کشف یک خدای بانوی بزرگ و اسطوره‌های آن بوده است. هزاران تصویر از این الهه‌ی مقدس، آثار و بقایای جوامعی که او را پرستش می‌کردند و اماکن دوباره کشف‌شده‌ی متبرکی که او در آنها مورد پرستش قرار می‌گرفته به تاریخی شهادت می‌دهند که او چندین هزاره در آن نهان بوده است.

عقاید کهن در مورد حقایق دیرین از سوی شواهد باستان‌شناختی نو به چالش کشیده می‌شوند و این ارزیابی همه‌جانبه و اغلب بحث‌انگیز مجددی را از پیشاتاریخ و تاریخ باستان به‌دست می‌دهد که همچنان نیز در حال انجام است. دانشمندان در مورد هر مقوله‌ای، از تاریخ‌ها گرفته تا معانی نمادها و اسطوره‌ها، با هم اختلاف‌نظر دارند. مصرشناسان در مورد ارتباط و همبستگی جداول فرعون‌ی با تقویم‌های اروپایی با یکدیگر جدال دارند. نقش و نگارهای عصر حجر که روزگاری به نظر بی‌معنی تلقی می‌شدند، حال به‌عنوان قدیمی‌ترین مدارک نمادباوری مذهبی با دقت و وسواس خاصی بار دیگر بررسی می‌شود.

تعدادی از دانشمندان، که بسیاری از آنان

زن هستند، افکار و بصیرت خود را در راستای اتصال استخوان‌های هستی این خدای بانو و مذاهب بی‌شماری که حول آن شکل گرفتند متمرکز ساخته‌اند. دانشمندانی چون ماریجا جیمبوتاس، جیمز میلارت^۱، الکساندر مارشاک^۲، جین الن هریسون^۳، و ویلیام ایروین تامپسون^۴ که در قلمرو باستان‌شناسی فعالیت دارند مشخص کرده‌اند که اعمال غیرانسانی آدمیان نسبت به هم‌نوعان خود تنها میراث ما به‌شمار نمی‌رود. از دل شهر نوسنگی چاتال هویوک^۵ واقع در ترکیه‌ی امروزی تا قصرهای مینوآن کرت^۶ دانشمندان نشانه‌های جوامعی را یافته‌اند که ساختارهای مذهبی خود را حول یک الهه بنا کرده‌اند، الهه‌ای که هزاران سال در صلح به حیات خود ادامه داده و برای زنان و مردان الگوهای رفتاری‌ای ارائه داده است که با معیارهای پذیرفته‌شده‌ی کنونی تفاوت‌های فاحشی دارند.



الهی تاجدار با دایره در میان اموال تدفینی، در اسپانیا حدود قرن چهارم تا سوم قبل از میلاد.

ژن جاودانه

در مصر این الهه را با نام‌های هاتور، ایزیس^۸، و سخمت^۹ می‌شناختند. در نزد فرهنگ‌های سومری، سوری-فلسطینی و قبرسی او را اینانا^{۱۰}، ایشتار^{۱۱}، استارته^{۱۲}، آتوره^{۱۳}، آنات^{۱۴} و آفرودیت^{۱۵} می‌نامیدند. در آناتولی، آسیای صغیر، کرت، یونان و روم او را به نام‌های سی‌بل، رثا^{۱۶}، دمتر^{۱۷}، آرتیمیس^{۱۸}، آریادنه^{۱۹}، و پرسفونه^{۲۰} می‌خواندند. آن زمان که تمامی فرهنگ‌های اروپایی و دنیای آسیای غربی آشکالی از مادر الهی را پرستش می‌کردند، این الهه‌های تاریخی همه از الهه‌ی عظمی عصر دیرینه‌سنگی ریشه می‌گرفتند.

این مادر الهی را نباید به مثابه خدای پدر در کیش مسیحی-یهودی تصور کرد. او بسیار سیال‌تر و دگرگون‌شونده است و می‌تواند اشکال بسیار متنوع‌تری به خود بگیرد. او نماد اسطوره‌ای قدرتمندی است که با ماهیت‌ای بنیادین در ضمیر خودآگاه بشری پیوند می‌یابد. او به‌مانند کهن-الگو^{*}ی [سرنمون] از یک زن ابدی است و به‌طور همزمان معانی گوناگون را لایه‌لایه انتقال می‌دهد - معانی‌ای که از قرار معلوم بخشی از آنها متناقض یا ناهمگون‌اند. با نادیده انگاشتن خرد، که اغلب برای تفکر آگاهانه دست‌نیافتنی است، این تصاویر چندبعدی درست بر قلب آگاهی و شعور نشانه می‌روند. اینها در اندرون روان ما به ارتعاش درمی‌آیند و میان سطوح متعدد معانی به جنبش می‌افتند. آنها منبع ناخودآگاه احساسات و افکار ما هستند.

این سرمنشأ عظیم کهن-الگوها را می‌توان چون نهر روانی از انرژی دانست که هرآنچه را که ضمیر خودآگاه ما قادر به درک‌اش باشد شکل می‌دهد و به خود می‌پذیرد. به دلیل آنکه ادراک سطوح متفاوت بسیاری دارد، الهه نیز هزاران شکل به خود می‌گیرد. برای نمونه، صورت مثالی مهربانی و شفقت در مادران ما بازتاب دارد (بی‌آنکه سرشت رابطه‌ی مادر فرزندی به‌طور خاص مدنظر باشد). در دیرینه‌ترین اشکال این کهن-الگو در سیمای مادر عظمی تجسم می‌یابد که فرزندان خود را هستی می‌بخشد و با شیرهی جان طعامشان می‌دهد و خویشان را وقف حفظ و هدایت موجودیت آنها می‌کند.

* archetype

همچنانکه در ژرفای شکل و بیان این کهن-الگو بیشتر و بیشتر فرو می‌رویم، به تدریج جذب انرژی نخستین‌ای می‌شویم که آن را خلق می‌کند.

کردارهای خودآگاهانه-متحول‌کننده همچون نواختن موزون دف یا مراقبه‌قادرانند ما را در ارتباط با الگوهای فطرت خودآگاه در ابنای بشر قرار دهند- صورت‌های متفاوتی از آن کهن-الگو که به شکل‌های مختلفی از الهه نمایان می‌شدند. همچنانکه الگوهای رفتاری از ضمیر ناخودآگاه به قلمرو دانش خودآگاه آورده می‌شوند، ما نیز به تدریج قادر خواهیم شد کردارهای ناپسند و ناهنجار خویش را تغییر داده و اصلاح کنیم.

هزاران سال است این سیمای مقدس زنانه تجلی الگوی معنوی غایی بوده است. اسطوره‌ی او انبانی از تجربه و خاطرات بشری بوده است که فن‌آوری باستانی خرد معنوی و روانشناسی را بیان می‌کرد. این دانش نخستین زنان و مردان را قادر می‌ساخت تا در اندرون خود دریابند که در نسبت با خانواده، جامعه و محیط زیست خود کیستند.

کاهنه‌های صدای مقدس

الهه و تمام کسانی که آیین‌های مقدس او را اجرا می‌کردند زن بودند. این کهن‌ترین آیین‌ها معنی و مفهوم خود را با الهام از پدیده‌های زمینی می‌یافتند. زمین خود به مثابه «مادر تمام گیتی و موجودات آن» مورد ستایش بود. و چون زندگی جدید از بدن زن نشأت می‌گرفت، همان‌طور که تمام موجودات زنده زاده‌ی زمین بودند، زنان نیز به مثابه مظهر الوهیت، ستایش می‌شدند. بشر هیچ‌گاه خارج از محیط زیست خود قادر به ادامه‌ی حیات نبوده است. آنها خود را همچون زمین در قالب نوع بشر می‌دانستند. و در مراقبت از آن، خود را حفظ می‌کردند. مناسکی که زنان به جا می‌آوردند به نوعی حفظ قداست این پیوند جان‌بخش به شمار می‌رفت.

به نظر می‌رسد موسیقی موزون در مراسمی که الهه‌ها نیز در آن شرکت داشتند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در کهن‌ترین فرهنگ‌ها، ریتم به عنوان نیروی ساختاری و نظم‌دهنده‌ی زندگی پرستش می‌شد- از این رو، مورخ مشهور ویلیام ه. مکنیل^{۲۱} معتقد است که «فراگیری نحوه‌ی حرکت و صداسازی هرچه موزون‌تر و تقویت هرچه بیشتر پیوند حلقه‌های شور و شوق با این نوع رفتار پیش‌شرطی گریزناپذیر برای ظهور انسان در



زن دف‌نواز در جنوب ایتالیا
در حدود ۲۷۵-۳۰۰ قبل از میلاد.

و خاورمیانه، دایره نوازی بستری بوده است برای برقراری پیوند و ایجاد معنویت و نیز راهی برای کشف خودآگاهی نسبت به جهان پیرامون. شیوه‌های رازورانه‌ای از این دست، که در سنت نیرومند پرستش الهه و زن آسمانی ریشه داشتند، در معابد و زندگی دنیوی رواج یافتند تا آن هنگام که با ظهور مسیحیت و به وادار آن یکسر از میان رفتند.

اکنون، لین ردموند، که در زمینه‌ی تاریخ باستانی زنان در عرصه‌ی موسیقی صاحب نظر است، در کتاب خود - اثری که دیری به انتظارش بوده‌اند - همراه با تصاویر پر شمار به پرده برداری از تاریخ حیرت انگیز زنان در مقام دایره نواز و رهبر مراسم مذهبی پرداخته است. او، با بهره گیری از گستره‌ی وسیعی از تصاویر معابد، دیوارنگاره‌ها، گلدان‌ها، و نقش برجسته‌های گردآوری شده در خلال ده سال پژوهش و سفر به خاورمیانه و اروپا، شواهد بصری سحرانگیزی را درباره‌ی اقتدار و اعتبار سنت پرستش الهه به دست می‌دهد. آن هنگام که دایره نوازان زن بودند، افزون بر این، تحقیقات علمی نوین را در کنار تأثیرات هماهنگ کننده‌ی ریتم بر تن، اندیشه و روان جای می‌دهد. «زنان اغلب درمی‌یابند که در کنار بخشی از تاریخ خود پاره‌ای از روان‌شان را نیز از کف داده‌اند. آنها از دسترسی به نقاطی حیاتی در ذهن خود محروم گشته‌اند. تا آن زمان که این نقاط را از نو باز یابند، به هیچ رو کامل نخواهند بود.» لین ردموند برپایه‌ی اسطوره‌هایی شگرف، باستان‌شناسی، و تاریخ شرح می‌دهد که زنان امروزه چه سان دایره نوازی را همچون میراثی معنوی و فن‌آوری‌ای آسمانی، در خدمت بزرگداشت وحدت چرخه‌های طبیعی زمین، کیهان و تن آدمی، باز جان بخشیده‌اند.



لین ردموند پنج آلبوم ضبط کرده، در برنامه‌ی NPR با نام *هم رفته* [All Things Considered] حضور داشته و در نیویورک تایمز و سایر مجلات و نشریات معتبر معرفی گردیده است. او در ایالات متحده و سایر کشورها به اجرا و تدریس نیز پرداخته است. ردموند نخستین زن موسیقی دانی است که برنامه‌ی دایره نوازی خود را با *Remo* به اجرا درآورده است. او در حال حاضر ساکن نیویورک است.



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

<http://www.mahoor.ir>
info@mahoor.ir